

مهم‌ترین راهبرد  
آن این است که  
سعی کنیم مفهوم  
سرمایه اجتماعی  
را توسعه دهیم.  
توسعه مفهوم  
به این معنا که  
مفهوم سرمایه  
اجتماعی اکنون  
مفهومی عرضی  
دارد، مثلاً راجع  
به رابطه من و شما  
صحبت می‌کند،  
ولی راجع به پیوند  
من به تاریخ هیچ  
بحثی نمی‌کند و  
در باره پیوند به  
جامعه و پیوند به  
ارزش‌های تاریخی  
جامعه چیزی  
نمی‌گوید



گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در این میزگرد به چستی و چرایی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و ضمن آن راه‌های رفع بی‌اعتمادی را با هم مطرح کردند.

**بحث سرمایه اجتماعی از کجا شروع شد و آیا در حال حاضر سرمایه اجتماعی تبدیل به یک مسأله برای جامعه و مسئولان شده است؟**

● **مهرداد:** کلیدواژه سرمایه اجتماعی تقریباً پربسامدترین کلیدواژه در حوزه علوم اجتماعی بوده است یعنی اگر مقالات و نشریات منتشر شده در این چند سال مثل بانک‌های اطلاعاتی در حوزه مقالات علوم انسانی بررسی شود تقریباً برجسته‌ترین مفهوم در یک یا دو دهه گذشته همان سرمایه اجتماعی بوده است. در حوزه پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز این مهم‌ترین مفهومی بود که سعی شده کاربست آن در تحلیل‌های فرهنگی-اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. سرمایه اجتماعی به معنای عام آن چسبی است که مردم را به هم پیوند می‌دهد یا مردم را با حاکمیت ارتباط می‌دهد و ارتباط ارگانیک برقرار می‌کند که به واسطه نهاد‌های میانجی است. شما مسأله سرمایه اجتماعی را طرح می‌کنید از این جهت که برای مثال فکری می‌کنید این مسأله افت کرده است و حالا باید کمک کنیم تا سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کند. این مفهوم تبدیل به گفتمان غالب در حوزه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگی و جامعه‌شناسی محیط زیستی ایران شده و به همین دلیل عمده کارهایی که ما می‌بینیم در این حوزه است. مفهوم سرمایه اجتماعی ذیل این دیدگاه ساخته و پرداخته شده و از آن استفاده می‌شود. اتفاقی که رقم می‌خورد یعنی نوع مواجهه ما با سرمایه اجتماعی یک مواجهه تاریخ‌زدایانه بوده است چون قسمت عمده تاریخ ایران را ذیل یک فلسفه تاریخی - که مثلاً هگل طراحی می‌کنند. مثل یک فلسفه تاریخی و تک خطی اروپامدارانه، ولی سرمایه اجتماعی ذیل این است و به همین جهت راهبردهایی که در

نهایت از دل پژوهش‌ها و تحقیق‌هایی که در این حوزه شده به جای اینکه بتواند به بازسازی سرمایه اجتماعی کمک کند به نظر من تخریب‌کننده سرمایه اجتماعی شده است. شما وقتی شاخص‌های سرمایه اجتماعی را در نظریه‌گیری راجع به مفاهیم عرضی اجتماعی صحبت می‌کنند و خیلی راجع به پیوندهای طولی مردم ما در جامعه، یعنی پیوند این مردم تاریخ و سنت خودشان حرف نمی‌زنند و بر این اساس سعی می‌کنند ارتباط خود را با تاریخ و نهاد‌های اجتماعی قطع کند. یکی از مهم‌ترین مسائل سرمایه اجتماعی مسأله نهاد‌های اجتماعی است. شما وقتی نهاد‌های اجتماعی تاریخی در ایران را کلان‌اندیشه می‌گیرید و برای حذف آن تلاش می‌کنید، سپس دنبال آن هستید تا نهاد‌های اجتماعی جدیدی را ترجمه کنید و کاربست آن را در ایران استفاده کنید باعث از بین رفتن سرمایه اجتماعی می‌شود.

**آیامی توان گفت افول سرمایه اجتماعی فقط مربوط به چند سال اخیر و منشأ آن شرایط اقتصادی جامعه است؟**

● **آروین:** مسأله سرمایه اجتماعی مسأله اعتماد است؛ یعنی سرمایه اجتماعی لفظی است که به وجود آمد تا این مسأله را حل کند. ایده این است که جوامع انسانی بدون وجود اعتماد بین فردی و نهادی دچار چالش‌های جدی می‌شوند. شما نمی‌توانید صرفاً با اتکا به اجبار اعم از اجبار قانونی و غیره جامعه را اداره کنید؛ تا یک جایی جواب می‌دهد. بنابراین مسأله، مسأله اعتماد است. جناب دکتر گفتند مسأله‌ای نیست و این مسأله را برای ما بر ساخته‌اند، ولی من فکری می‌کنم مسأله‌ای هست. یعنی دولت هرکاری که می‌کند مردم بی‌اعتماد هستند. حتی زمانی که سعی می‌کند شفافیت ایجاد کند مردم می‌گویند بازی دولت است. این مسأله تاریخی است. من نمی‌دانم چرا آقای دکتر می‌گویند همه اینها ضد تاریخی است. مسأله بی‌اعتمادی ملت به دولت در ایران مسأله‌ای تاریخی است و بدین معنا فقط